

بررسی جایگاه سیستم بانکداری در اقتصاد مقاومتی با تاکید بر محور بانکداری اسلامی

دکتر امرالله امینی - عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی
علیرضا اشرفی

چکیده

در این پژوهش در ابتدا یک مفهوم شناسی از اقتصاد مقاومتی ارائه شده است. سپس با تبیین اهمیت نقش نظام بانکی به عنوان زیرساخت اساسی اقتصاد در راستای پیاده‌سازی سیاست های اقتصاد مقاومتی، به ارائه شاخص‌های بانکداری مقاومتی پرداخته شده است. در ادامه بحث به بیان تجربیات بانکداری که منجر به دامن زدن به بحران‌های بزرگتر شده است پرداخته شده. همچنین ویژگی‌های نظام بانکداری اسلامی بیان شده و محورهای کلی بانکداری اسلامی ارائه شده‌اند. در بخش بعدی با تحلیل محتوای ارزیابی اثرات بالقوه رعایت بانکداری اسلامی بر شاخصه‌های بانکداری مقاومتی در راستای بالابردن سطح مقاومت بانک‌ها و اقتصاد، نتیجه گرفته شد با رعایت بانکداری اسلامی می‌توان سطح مقاومت سیستم بانکی و اقتصاد بانک محور را در مقابل تکانه‌های اقتصادی تقلیل داد. در نهایت برای بررسی صحت تجربی نتایج، به بررسی تاثیر بحران‌های اقتصادی بر عملکرد نظام بانکداری اسلامی و بانکداری متعارف پرداخته شد که نتایج حاکی از تاثیر گذاری کمتر بحران‌های اقتصادی بر سیستم بانکداری اسلامی، در مقایسه با سیستم بانکداری متعارف بوده است.

مقدمه

نظام‌های بانکی در کشورهای مختلف و به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه همواره یکی از بخش‌های بسیار مهم و محرک اقتصاد محسوب شده و تقویت این بخش، منجر به تقویت اقتصاد کشورها در مقابله با انواع شوک‌ها و تکانه‌های ایجاد شده خواهد شد. اهمیت نظام بانکی کشور در اقتصاد به‌حدی بوده است که در بندهای اقتصاد مقاومتی نیز به اهمیت و لزوم اصلاحات در نظام بانکی اشاره شده است. در سالین گذشته رخداد بحران‌های مالی بزرگ در دنیا هرچند بیان شده است که منشاء بانکی نداشته‌اند اما باعث ایجاد نابسامانی‌هایی در سطح بانک‌ها شده‌اند و حتی باعث ورشکستگی بسیاری از بانک‌های بزرگ آمریکا شده است که خود نیز باعث افزایش دامنه بحران در اقتصاد شده‌اند. این در حالی بوده است که سیستم بانکداری کشورهایی که از سیستم بانکداری اسلامی استفاده می‌کرده‌اند آسیب کمتری را در مواجهه با بحران‌ها دیده‌اند. لذا در این پژوهش تلاش شده است با استفاده از شاخصه‌های بانکداری مقاوم و با نگاهی بر محورهای اساسی بانکداری اسلامی، به بررسی و تحلیل محتوای اثرات بانکداری اسلامی بر ایجاد بنیان‌های مقاوم سیستم بانکی و ایجاد اقتصادی مقاوم پرداخته شود.

مبانی نظری: مفهوم‌شناسی اقتصاد مقاومتی

القای تفکر اقتصاد مقاومتی لازمه ایجاد تفکر سیستمی برای مدیران ارشد اقتصادی و تصمیم‌گیرندگان عرصه اقتصاد می‌باشد. که می‌تواند رشد و توسعه و شکوفایی تولید ملی و قطع وابستگی اقتصادی راحتی در سخت‌ترین شرایط و فشارهای اقتصادی به‌بار بیاورد. مفهوم مقاومت به‌عنوان توانایی خانوارها، جوامع، کشورها و سیستم‌ها در راستای تخفیف، قابلیت انطباق و بازیابی خود از شوک‌ها و استرس‌ها به‌گونه‌ای که آسیب‌پذیری مزمن کاهش یابد و رشد درون‌زا تسهیل گردد مطرح شده است. در صورتی که مقاومت بالا باشد، پس از کاهش در اثر شوک، در ادامه روند توسعه بلندمدت با نرخ رشد گذشته یا حتی بیش از آن ادامه می‌یابد (قربانی، پیمان ۱۳۹۳). مقاومت اقتصادی در مفهوم دیگر عبارت است از اینکه اگر شوکی به اقتصاد وارد شود و پس از آن اقتصاد بتواند به حالت مورد نظر قبلی خود برگردد، این نوع توانایی برای بازگشت اقتصاد مقاومتی خوانده می‌شود. به عبارت دیگر اگر

این امکان وجود داشته باشد که اقتصاد به وضعیت مطلوب قبلی برگردد در این صورت گفته می‌شود اقتصاد مقاوم است. این بازگشت البته می‌تواند در یک دوره طولانی یا کوتاه‌مدت صورت گیرد. هر قدر اقتصاد مقاوم‌تر باشد عکس‌العمل برای بازگشت به وضعیت مطلوب اولیه پس از مواجهه با شوک سریع‌تر خواهد بود. پس می‌توان انتظار داشت این فرآیند در زمانی کوتاه‌تر طی شود و یا اگر مقاومت ضعیف باشد ممکن است بازگشت در دوره زمانی طولانی‌تری انجام شود. البته در مورد مدت زمان بازگشت اقتصاد به حال عادی باید اشاره کرد که بازگشت و مقاومت مربوط می‌شود به زمانی که خود سیاست‌گذار علاقمند باشد به وضعیت قبلی برگردد. اقتصاد آسیب‌پذیر یا شکننده^۱ که نقطه مقابل اقتصاد مقاومتی به‌شمار می‌رود، مفهومی است که حدود یک دهه از تولد آن در ادبیات اقتصادی می‌گذرد و در واقع چندسال پس از تجربه بحران مالی شرق آسیا در سال ۱۹۹۷ مورد توجه قرار گرفته است. بحرانی که بیشتر دلیل آن وابسته کردن بازارهای مالی به سرمایه‌گذاران خارجی بود و به سقوط چندساله اقتصادهایی منجر شد که در جهان به‌عنوان اقتصادهای معجزه‌آسا شناخته می‌شدند. به همین دلیل توجه به مسأله آسیب‌پذیری یا مقاومتی بودن، نه تنها در سطح اقتصاد ملی بلکه در همان زمان در سطح بنگاه‌های اقتصادی نیز جدی گرفته شد. مقاله هاملو و الیکانگاس (۲۰۰۳) در نشریه معروف دانشگاه هاروارد با نام «نیاز به مقاوم بودن» نمونه‌ای از پدید آمدن این دقت نظر بوده است. همچنین این روند با وقوع بحران مالی سال ۲۰۰۸ در کشور آمریکا و سپس اروپا تکمیل شد. اگرچه بحران مزبور برای اقتصاد آمریکا نمونه کوچکی خارجی نبود اما اولاً برای کشورهای اروپایی که به عنوان سرریز بحران آمریکا متأثر شدند، تاحدی برون‌زا تلقی می‌شد و بنابراین نشانه آسیب‌پذیری اقتصادهای اروپایی از جانب اقتصاد آمریکا بود. ثانیاً برای خود آمریکا نیز حاوی درس مهمی بود و آن اینکه اتکاء کامل به بازار آزاد و زدودن مقررات می‌تواند شکنندگی اقتصاد را افزایش دهد و زمینه‌ساز بحران‌هایی مشابه سال ۲۰۰۸ شود. به همین دلیل در سال‌های اخیر موج نظری بزرگی در محافل دانشگاهی و سیاست‌گذاری جاری شده است که بر شکننده بودن و خوش‌بینانه بودن فروض الگوهای نئوکلاسیک تأکید کرده و تنظیم‌گری هوشمندانه دولت‌ها را ترغیب می‌کنند. بنابراین می‌توان گفت که امروزه نسبت به یک‌دهه گذشته نسبت به مقاومت‌سازی اقتصاد آگاهی و حساسیت جهانی بیشتری وجود دارد. واضح است در خصوص کشورهایی که به دنبال پرداخت بهای استقلال سیاسی خود و پافشاری بر مواضع خود

هستند، باید حساسیت مضاعفی در رابطه با طراحی صحیح روابط اقتصادی خود وجود داشته باشد. آخرین حلقه از آگاهی جهانی درباره اقتصاد مقاوم مربوط به گزارش رسمی اجلاس مجمع جهانی اقتصاد (۲۰۱۳) است که با نام «ایجاد مقاومت ملی در برابر مخاطره‌های جهانی» منتشر شد. البته تعبیر این گزارش از مقاومت (تاب‌آوری)، شامل طیف وسیعی از مخاطره‌های جهانی می‌شود (مانند بلایای طبیعی) که فراتر از اثر شوک‌های خارجی است.

بانکداری و اقتصاد مقاومتی

امروزه با گذشت چندین دهه از شروع فعالیت‌های بانکداری در جهان، وظایف بانک‌ها بسیار بیشتر و پیچیده‌تر از اوایل شکل‌گیری نظام بانکی شده است چرا که، در ابتدا بانک‌ها مکانی امن برای نگهداری وجوه مردم بوده است و در طی زمان با شروع به ارائه تسهیلات به مشتریان، وظایف بانکی پیچیده‌تر شده و امروزه با افزایش روش‌های تامین مالی و ایجاد مشتقات مالی وظایف بانک‌ها در قبال اقتصاد به کلی دگرگون شده است. به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه که اغلب شیوه‌های تامین مالی پیشرفته‌ای همانند بازار اوراق قرضه و یا بازار بورس پیشرفته‌ای ندارند نقش بانک‌ها در اقتصاد به‌شکلی پر رنگ خود نمایی می‌کند. اهمیت توجه به بانک‌ها بیشتر به دلیل ارتباط تنگاتنگی است که با شرایط اقتصادی دارند. از این جهت که عملکرد غلط بانک‌ها قادر به ایجاد بحران‌های مالی در جهان بوده است و از طرف دیگر رخ داد بحران‌های مالی در دنیا توانسته است منجر به ورشکستگی بسیاری از بانک‌های بزرگ دنیا شود. و در مجموع این دو اثر به شکلی هم افزا باعث دامن زدن به وسعت بحران‌های مالی خواهند شد. از طرفی دیگر به دلیل گسترش سطح تجارت بین الملل و افزایش درجه بازبودن اقتصاد کشورها با ایجاد بحران در یک کشور سرریزهایی آن به سایر کشورها نیز سرایت خواهد کرد لذا باید این پیش‌بینی‌ها از قبل صورت پذیرفته باشد تا بهتر بتوان در شرایط بحران تصمیم‌گیری کرد. همچنین عرصه اقتصادی کشورها نباید عرصه‌ای برای انجام آزمون و خطا قرار گیرد لذا از این منظر ضروری است که از تجربیات سایر کشورها در حوزه‌های مقاوم‌سازی نظام بانکداری استفاده کرد. همچنین لازم است با توجه به تغییرات ساختاری که اقتصاد کشور ما با اقتصادهایی که اغلب از الگوی سرمایه‌داری پیروی می‌کنند، دارد تجربیات این نوع از

کشورها بایستی تعدیل شده تا بتوان الگویی موفق برای مقاومسازی نظام بانکی کشور قرارگیرند.

تبیین اهمیت نقش نظام بانکی به عنوان زیرساخت اساسی اقتصادی، در راستای پیاده‌سازی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در کشور ایران:

امروزه بدون تردید نقش سازمان‌ها و نهادهای مالی در تامین منابع مالی مورد نیاز برای سرمایه‌گذاری به عنوان موتور محرکه رشد و متعاقب آن توسعه اقتصادی برهیچ یک از صاحب‌نظران عرصه اقتصاد پنهان و پوشیده نیست. براساس ماده نهم بندهای اقتصاد مقاومتی، به اصلاح و تقویت همه‌جانبه نظام مالی کشور با هدف پاسخ‌گویی به نیازهای اقتصاد ملی، ایجاد ثبات در اقتصاد و پیشگامی در تقویت بخش واقعی اقتصاد به خصوص در راستای تقویت تولید ملی تاکید شده است. اهمیت این موضوع زمانی بیشتر مدنظر قرار خواهد گرفت که بررسی اطلاعات و داده‌های مربوط به منابع چهارگانه تامین مالی در سال‌های گذشته اعم از نظام بانکی، بازار بورس، بودجه‌های عمرانی و سرمایه‌گذاری خارجی موید این مهم است که بانک‌ها بار اصلی تامین مالی بخش‌های اقتصاد رادر سال‌های اخیر برعهده داشته‌اند. به همین دلیل است که توجه به کارکرد نهاد بانک در اقتصاد ایران به خصوص در راستای مقاومسازی بنیان‌های اقتصادی بسیار حایز اهمیت است. اما مروری بر داده‌های آماری موجود در خصوص نظام بانکی می‌تواند راهبرد به‌کارگیری اقتصاد مقاومتی را اندکی روشن نماید. بر اساس آمار منتشرشده توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مجموع مانده تسهیلات ریالی و ارزی پرداخت شده توسط بانک‌ها از میزان ۱۲۰۲ میلیارد ریال به ۲۲۸۹ میلیارد ریال در اسفند ۸۸ و حدود ۵۰۷۳ میلیارد ریال در شهریور ۹۲ بالغ شده است (۴/۲ برابر). اما در فاصله چهارساله پایان اسفندماه ۸۸ تا پایان اسفندماه ۱۳۹۱ مجموع بدهی بخش‌های دولتی و غیر دولتی به سیستم بانکی از ۲۲۸۹ میلیارد ریال به ۴۳۹۰ میلیارد ریال (۹۱/۷ درصد رشد) بالغ شده است. دو نکته را بایستی در مورد عدد مانده تسهیلات اعطایی در نظر داشت اول اینکه عدد مذکور بیانگر مانده کل می‌باشد و بنابراین به احتمال قوی میزان تسهیلات پرداختی کوتاه مدتی که در یک سال پرداخت و در همان سال نیز تسویه می‌شوند در این عدد

لحاظ نشده است. نکته دیگر اینکه ممکن است پرداخت و تسویه برخی تسهیلات بلندمدت یا میانمدت پرداختی در سال‌های قبل عدد مذکور را تغییر دهد در حالی که عملاً تسهیلات جدیدی پرداخت نشده است. برای کاهش آثار ناشی از این ایراد تغییر درمانده مذکور می‌تواند معیار مناسب‌تری باشد و محاسبات نشان می‌دهد که تغییر درمانده تسهیلات اعطایی نیز در فاصله سال ۸۵ تا ۹۲ نزدیک ۵۶ درصد رشد داشته و از ۴۳۷ میلیارد ریال در فاصله سال‌های ۸۵ تا ۸۶ به بیش از ۶۸۲ میلیارد ریال در فاصله سال ۹۱ و ۹۲ رسیده است. اما برای بازخورد این حجم عظیم منابع مالی در اقتصاد باید دید در بخش حقیقی اقتصاد چه اتفاقی رخ داده است. آیا این حجم بالای تسهیلات تولید ملی را توانسته است تحت تاثیر قرار دهد؟ انتظار منطقی این است که حداقل بخشی از تغییرات قابل توجه ذکر شده درمانده تسهیلات اعطایی بانک‌ها منجر به تغییر در تولیدکل از طریق افزایش در مقدار متغیر تشکیل سرمایه شده باشد و البته دلیل پرداخت بخش قابل توجهی از این تسهیلات و بالاخص تسهیلات اعطایی تکلیفی در قالب طرح بنگاه‌های کوچک و زودبازده نیز انتظار افزایش توان تولید ملی بوده است. مروری بر آمار منتشر شده توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که تشکیل سرمایه ثابت در اقتصاد ایران از ۱۶۹ هزار میلیارد ریال سال ۱۳۸۵ به ۱۹۸ هزار میلیارد ریال در پایان سال ۱۳۸۸ و متأسفانه با کاهشی محسوس به ۱۶۷ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۹۱ (کمتر از مقدار سال ۸۵) رسیده و بیانگر رشد منفی نزدیک به ۱/۲ درصدی است. به عبارت صریح‌تر سهم تغییرات متغیر تشکیل سرمایه از مانده تسهیلات اعطایی بانک‌ها از ۱۴/۱۱ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۳/۸۲ درصد در سال ۱۳۹۱ رسیده است. بیان آمار متغیر دیگری که کنترل و اهتمام جدی به آن بایستی به‌عنوان هدف کوتاه‌مدت نظام بانکی در قالب سیاست‌های اقتصاد مقاومتی باشد جالب توجه است. میزان مطالبات معوق بانک‌ها به‌عنوان چالش اساسی نظام بانکداری در اسفندماه ۱۳۹۲ به حدود ۸۰۷ هزار میلیارد ریال رسیده است. مقدار این متغیر در سال ۱۳۸۴ حدود ۷۰ هزار میلیارد ریال، سال ۸۸ برابر با ۴۴۵ هزار میلیارد ریال و سال ۹۰ معادل ۵۰۰ هزار میلیارد ریال بوده است. فارغ از اینکه این مقدار مطالبات چند درصد در اختیار چه تعداد است، برای روشن شدن ابعاد این مقدار مطالبات معوق فقط کافی است به مقدار کل بودجه تملک‌داری‌های سرمایه‌ای (بودجه عمرانی) دولتی از دهم در سال ۱۳۹۳ که بایستی تمام پروژه‌های عمرانی را بر اساس آن

برنامه‌ریزی و اجرا نماید و به‌طور مستقیم با سطح رفاه و زندگی جامعه سروکار دارد اشاره نمود که عدد آن در حدود ۳۷۸۰۰۰ میلیارد ریال (در حدود نصف مطالبات معوق) و پیش‌بینی منابع حاصل از نفت و فرآورده‌های نفتی دولت در بودجه سال آینده دولت در حدود ۷۷۸۰۰۰ میلیارد ریال (در حدود مطالبات معوق) خواهد بود. بنابراین لازم است تا در نظام بانکی فارغ از دستور و بخشنامه برای ایجاد کارگروه وصول و پیگیری مطالبات معوق، اراده‌جمعی و قطعی در خصوص این معضل صورت پذیرد. بی‌تردید شکل‌گیری این رویکرد مهم به‌عنوان فصل اول عملیات اجرایی اقتصاد مقاومتی به‌مفهوم شناسایی و کاهش نوسانات شوک آفرین و تهدیدهای اثرگذار در بازار پول اقتصاد ایران که می‌تواند همه بخش‌های دیگر را تحت‌تاثیر قرار دهد باید در دستور کار قرار گیرد. البته باید در نظر داشت که صرف توجه به موضوع کاهش مطالبات معوق بدون بازنگری جدید در نحوه تخصیص منابع مالی و افزایش نظارت کارآمد و موثر در فرایندهای اجرایی پرداخت تسهیلات در فرآیندی بلندمدت نه تنها باعث نمی‌شود که نظام بانکی از این مشکل‌رهایی یابد، بلکه عدم جهت‌گیری منابع نسبتاً ارزان قیمت بانکی به سمت فعالیت‌های غیر مولد تولید (بر اساس آنچه مطابق با آمارهای فوق، در سال‌های قبل اتفاق افتاده است) را تشدید نموده و مطالبات جدیدی را بر دوش بانک‌ها قرار خواهد داد.

همان‌طور که پیش‌تر نیز بیان شد، امروزه اهمیت بانک‌ها در کشور به‌عنوان یکی از ارکان مهم اقتصاد به‌شکل فزاینده‌ای در حال گسترش است و بانک‌ها صرفاً نقش نگهداری و مراقبت از وجوه نقد مردم را بر عهده ندارند بلکه ارائه‌دهنده خدمات حسابداری، مالی و مشاوره‌ای گسترده به واحدهای تولیدی، صنایع و مشتریان خود می‌باشند و از طریق تجهیز به فناوری‌های نوین، بدون محدودیت زمانی و مکانی به مشتریان انواع خدمات بانکی را عرضه می‌کنند. از این رو نقش بانک‌ها در پیش‌برد اهداف اقتصاد پررنگ‌تر از قبل شده است.

شاخص‌های کلی بانکداری مقاومتی

نظام بانکداری متعارف به‌خصوص در کشورهای غربی بر اثر تجارب بحران‌های مالی حادث شده در سالیان گذشته، تجارب ارزشمندی را در زمینه افزایش استحکام نظام بانکی خود در مقابله با بحران‌های مالی کسب کرده است که نمونه بارز آن را در بیانیه‌های اول،

دوم و بیانیه سوم کمیته بازل و همچنین در قوانین داد- فرانک می‌توان مشاهده کرد. از این جهت تجارب بانکداری متعارف در مقابله با شوک‌های اقتصادی می‌توان راهنمایی مناسب برای شاخص‌سازی بانکداری مقاومتی باشد (تجربیات جهانی بانکداری مقاومتی، سیف، الله مراد و مجتبی راعی دهقی، کنگره اقتصاد مقاومتی دانشگاه دفاع ملی). در تحقیقی (شاخص‌سازی بانکداری مقاومتی، سیف، الله مراد و مجتبی راعی دهقی، کنگره اقتصاد مقاومتی دانشگاه دفاع ملی) شاخص‌های بانکداری مقاومتی شامل به دو دسته تقسیم شده، که شاخص‌های دسته اول منجر به افزایش مقاومت اقتصاد در مقابل تحریم‌ها و فشارها خواهد شد و دسته دیگر شاخص‌هایی است که منجر به افزایش سطح مقاومت ساختار داخلی نظام بانکی در مقابل تحریم‌ها و فشارهای داخلی و خارجی خواهد شد، البته این شاخص‌ها همپوشانی زیادی با یکدیگر دارند که در زیر به‌طور کلی و تحت عنوان شاخص‌های بانکداری مقاومتی بیان شده‌اند:

- بهره‌وری بالا
- انعطاف‌پذیری مبتنی بر شرایط اقتصادی
- تعامل استراتژیک با خارج
- تشویق مصرف کالای ایرانی
- بیکاری پنهان بسیار کم
- حمایت از تولید داخلی
- ایجاد یکپارچگی در سطح تمامی بانک‌ها در راستای افزایش شفافیت‌های بانکی
- وجود نظام اعتبارسنجی
- ارائه تسهیلات هدفمند
- حجم پایین مطالبات معوق
- سطح بالای دارایی بانک‌ها
- قدرت نقدینگی بالای دارایی‌های بانک
- عدم تمرکز قدرت بانکی در چند بانک (قانون داد- فرانک)
- عدم تمرکز در ارائه تسهیلات (اعم از تمرکز در ارائه تسهیلات به بخش‌های خاص اقتصادی و یا تمرکز در ارائه تسهیلات در مناطق خاص جغرافیایی) (سیف، الله مراد و مجتبی راعی دهقی، ۱۳۹۳ کنگره ملی اقتصاد مقاومتی دانشگاه دفاع ملی)

۳- در ادامه به تجربیات بانکداری جهانی که تا حدودی یا منجر به بروز بحران‌های مالی بزرگتر شده و یا باعث افزایش دامنه بحران شده است اشاره شده است

۳-۱- بحران مالی آسیا در سال ۱۹۹۸:

یکی از دلایل ایجاد بحران در سال ۱۹۹۸ در شبکه بانکی کشور اندونزی، حجم بالای سپرده‌پذیری ارزی بوده است، که این مسئله ریسک بانکداری را به شدت افزایش داده بود. چرا که سپرده‌های ارزی ممکن است در آن واحد تماماً از سیستم بانکی خارج شده و عملاً باعث بجای‌ماندن حجم بالایی از پول بدون پشتوانه در اقتصاد شود. اما مشکل دیگر، میزان زیاد وام‌های در حال نکول بود که میزان آن در حدود ۵۷٪ از کل وام‌های اعطایی بوده است. بحران دارائیهای بانک‌ها شده و حدود دوسوم از کل دارائیهای بانک‌ها از بین‌رفته و اکثریت بانک‌ها ورشکست شدند و نقش واسطه‌گری بانک‌ها در اقتصاد آن کشور از میان‌رفته و دولتن توانست از فروپاشی سیستم بانکی جلوگیری نماید. در جدول زیر درصد وام‌های بدون بازگشت نسبت به کل وام‌های پرداختی را در برخی از کشورها در زمان‌های مختلف بحران نشان داده شده است.

۵۰ مجموعه مقالات اولین همایش اقتصاد مقاومتی،

کشور	زمان بحران بانکی در زمان	درصد وام‌های بدون بازگشت نسبت به کل وام‌ها	حداقل میزان رشد اقتصادی کشور (درصد)
آرژانتین	۱۹۸۹	۲۷	-۷/۰
برزیل	۱۹۹۴	۱۶	۲/۱
شیلی	۱۹۸۱	۳۵/۶	-۱۳/۶
چین	۱۹۹۸	۲۰/۰	۷/۶
چک	۱۹۹۶	۱۸/۰	-۰/۸
فنلاند	۱۹۹۱	۱۳	-۶/۳
هند	۱۹۹۱	۲۰	۴/۹
اندونزی	۱۹۹۷	۳۲/۵	-۱۳/۱
ژاپن	۱۹۹۷	۳۵	-۲/۰
کره جنوبی	۱۹۹۷	۳۵	-۶/۹
مالزی	۱۹۹۷	۳۰	-۷/۴
نروژ	۱۹۹۱	۱۶/۴	۲/۸
روسیه	۱۹۹۸	۴۰	-۵/۳
سوئد	۱۹۹۱	۱۳	-۱/۳
ترکیه	۲۰۰۰	۲۷/۶	-۵/۷
آمریکا	۱۹۸۸	۴/۱	-۰/۳

۳-۲- تجربه آمریکا:

بحران مالی که در سال ۲۰۰۷ کشورهای جهان و به‌ویژه کشورهای اروپایی را تحت تاثیر خود قرار داد، ابتدا از بخش مسکن آمریکا آغاز گردید و به سایر بخش‌ها سرایت کرد. در سال ۲۰۰۱ در نظام بانکی آمریکا نرخ بهره بین بانکی از حدود ۶ درصد به ۱ درصد تقلیل داده شد. این موضوع باعث کاهش هزینه‌های تسهیلات برای خرید مسکن توسط متقاضیان بانکی شد و خود باعث افزایش بی‌سابقه‌ای در قیمت مسکن در کشور آمریکا شد. در این هنگام معتبرترین وثیقه‌ای که متقاضیان وام‌های بانکی برای دریافت تسهیلات نزد بانک‌ها قرار دادند سند خانه‌هایی بود که خریداری کرده بودند. نظام بانکی

نیز وقتی قیمت خانه به دلیل افزایش تقاضا در حال افزایش بود، نگران بازپرداخت اقساط وام توسط خریدار خانه و یا وام گیرنده‌ای که سند منزل را ضمانت گذاشته، نبودند. به‌همین دلیل از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵ بانک‌های امریکا با شرایط بسیار آسانی اقدام به ارائه تسهیلات کردند. در این زمان به دلیل افزایش مداوم قیمت خانه در آمریکا، علاوه بر خریدار معمولی مسکن، تقاضای سفته‌بازی برای مسکن نیز با افزایش مواجه شد. در نتیجه انبوهی از خانه‌های ساخته شده بدون تقاضا ماند در این هنگام به دلیل کاهش تقاضای مسکن قیمت آن به شدت نزول کرد. در نتیجه افرادی که تسهیلات دریافت کرده بودند، ترجیح دادند که به‌جای بازپرداخت نقدی تسهیلات وثیقه‌هایی که نزد بانک قرار داده بودند تحت تصاحب بانک درآید. در نتیجه بانک‌های بزرگ آمریکایی ورشکست گردیدند و این ورشکستگی و عدم ثبات در بازار مالی امریکا تقاضایی بسیاری از دیگر مواد و کالاهای تولیدی و تجاری را در سراسر دنیا سبب گردید و در نتیجه کارتل‌های بزرگ جهان با تمام حجم بزرگش به افول رسیدند. اما بعد از سال ۲۰۰۷ بحران بعدی از سال ۲۰۰۸ شروع شد که البته ریشه و دلیل آن همان بحران سال ۲۰۰۷ آمریکا بوده است، در این مرحله نقدینگی به دلیل نکول در بازپرداخت تسهیلات اعطایی و ترکیدن حساب مسکن در آمریکا، بسیار محدود بوده است و حتی بسیاری از بانک‌ها نیز از دسترسی به منابع مالی کوتاه مدت یا بلند مدت محروم شدند. در این دوره اقتصاد با ورشکستگی بنگاه مالی بسیار بزرگ مواجه شد و همچنین شرایط به‌طوری بود که باعث سلب اعتماد مردم از بازارهای مالی و بانک‌های بزرگ شده بود و این امر به کاهش قیمت سهام بانک‌ها و موسسات پولی غیر بانکی کمک کرده بود.

۳-۳- تجربه اتحادیه اروپا:

نظام بانکی اتحادیه اروپا نیز بعد از بروز بحران مالی در کشور آمریکا دستخوش تغییراتی شد که در ادامه به بررسی وضعیت نظام بانکی قبل و بعد از بحران پرداخته شده است.

قبل از سرایت بحران مالی کشور آمریکا به کشورهای عضو اتحادیه اروپا، شرایط نظام بانکی در این اتحادیه به گونه‌ای بوده است که باعث افزایش احتمال آسیب‌پذیری نظام مالی این کشورها بوده است. که در ادامه به بررسی این شرایط پرداخته شده است. قبل از

اینکه آثار سرریزهای ناشی از بحران مالی کشور آمریکا به کشورهای عضو اتحادیه اروپا سرایت کند سرمایه بانک‌های این اتحادیه نسبت به ترازنامه به شکل قابل توجهی کاهش یافته بود، هرچند در این زمان دارایی بانک‌ها از افزایش بسیار سریعی برخوردار بوده است، اما سرمایه آنها نسبت به مجموع ترازنامه اتحادیه اروپا کاهش یافته بود که این مسئله نشان دهنده این موضوع بود که بانک‌ها طی سال‌های قبل از بحران دارایی‌های خود را از طریق اتکا به سپرده مشتریان و سایر دیون افزایش دادند، و نه از طریق افزایش سرمایه که این مسئله انعطاف‌پذیری و سطح مقاومت بانک‌ها در مقابل تکان‌ها و شوک‌های اقتصادی را به شدت کاهش داده بود. همچنین در سال‌های قبل از بروز بحران مالی، بخش بانکی اتحادیه اروپا رشد بسیار شدیدی را تجربه کرده بود. رشد نسبی بخش بانکی نشان دهنده بهبود جایگاه واسطه‌گری مالی در سال‌های قبل از بروز بحران مالی است. همچنین یکی دیگر از ویژگی‌های این دوره که باعث کاهش سطح مقاومت نظام بانکی شده بود بزرگ شدن بیش از اندازه برخی از بانک‌ها بوده است که حاصل از ادغام بانک‌های کوچک‌تر بوده است. اهمیت این موضوع ناشی از این بود که ورشکستگی یک بانک بزرگ آثار به مراتب قوی‌تری در ایجاد بحران مالی خواهد داشت. یکی از بخش‌های قانون داد- فرانک نیز اشاره به خطر بزرگ شدن بیش از اندازه بانک‌ها دارد.

۳-۴- تجربیات کشور جمهوری اسلامی ایران:

نظام بانکداری در کشور ایران نیز در سالیان اخیر به دلیل برخی از شرایط داخلی اقتصاد و همچنین تحریم‌های یک‌جانبه غرب به شدت با چالش مواجه شده است، که خود باعث افزایش احتمال آسیب‌پذیری اقتصاد شده است که در ادامه به برخی از دلایل آن نیز اشاره شده است:

دلایل آسیب‌پذیر بودن نظام بانکداری جمهوری اسلامی ایران:

۱- عدم وجود رابطه منطقی بین نرخ سود و نرخ تسهیلات که منجر به حرکت بانک‌ها به سمت بنگاهداری شده است. بالا بودن سطح بنگاهداری در نظام بانکی کشور یکی از آسیب‌های جدی برای مقاوم سازی اقتصاد قلمداد می شود چرا که امروزه با وجود اینکه بخش حقیقی اقتصاد از کمبود شدید نقدینگی رنج می‌برد، بانک‌ها بجای توجه و کمک به بخش حقیقی و به خصوص بنگاه داران بخش خصوصی، با منابع نقدینگی قابل ملاحظه‌ای

که در اختیار دارند به رقابت با این بخش برخواسته‌اند.

۲- بانک‌های ایرانی اکثر مبادلات خارجی خود را از طریق پنج بانک اروپایی انجام می‌دادند که نفوذ کشور آمریکا در این بانک‌ها از طریق خرید سهام آن‌ها و یا تهدید آن‌ها باعث هماهنگ شدن آنها با سیاست‌های تحریمی شد، در صورتی که جمهوری اسلامی ایران مبادلات خارجی خود را در تعداد محدودی از بانک‌ها متمرکز نکرده بود، میزان خطرپذیری در تحریم بین‌المللی بانکی کاهش می‌یافت. (دانش جعفری، بیست و چهارمین کنفرانس سیاست‌های پولی و ارزی بانک مرکزی)

۳- وجود ریسک اعتباری بالا که منجر به افزایش تسهیلات غیر جاری نظام بانکی شده است: وجود حجم بالای تسهیلات غیر جاری به معنای بلوکه شدن حجم بالای نقدینگی لازم برای تداوم حمایت از بخش‌های تولیدی و واقعی اقتصاد است. همچنین بانک‌ها برای جبران زیان ناشی از حجم بالای تسهیلات غیر جاری اقدام به افزایش نرخ بهره می‌کنند که با این اقدام تنها افرادی حاضر به دریافت تسهیلات خواهند شد که از ریسک‌پذیری بالاتری برخوردارند که خود این مسئله در بلند مدت منجر به افزایش دوباره حجم مطالبات معوق خواهد شد و تکرار این چرخه ریسک اعتباری و ریسک نقدینگی بانک‌ها را به صورت پیوسته افزایش داده است.

۴- اقداماتی که منجر به سلب اعتماد سپرده‌گذاران ارزی شده است: لزوم ایجاد اعتماد در بین مشتریان بانک‌ها در نظام بانکی با ذخیره جزئی لازمه تداوم فعالیت بانک‌ها است. چرا که رخداد عدم اطمینان در بین مشتریان بانک‌ها باعث هجوم سپرده‌گذاران برای دریافت وجوه سپرده خود خواهد شد، و از آنجایی که در نظام بانکی بر مبنای ذخیره جزئی اقدام به خلق اعتبار می‌کنند و زمان سررسید تسهیلات اعطایی و زمان مراجعه سپرده‌گذاران برای دریافت سپرده‌های خود همزمان نیست، بانک‌ها با چالش جدی مواجه می‌شوند. در سالیان اخیر به دلیل کاهش شدید ارزش پول ملی افراد برای حفظ ارزش پول خود، اقدام به خرید ارزهای خارجی در بازارهای آزاد کرده بوده و در بانک‌ها سپرده‌گذاری ارزی انجام داده بودند، اما هنگامی که این افراد برای دریافت سپرده‌های ارزی خود مراجعه می‌کردند بانک‌ها از پس‌دادن ارزهای آنها با قیمت‌های موجود در بازار آزاد سر باز می‌زدند و ارزهای آنها را به قیمت مبادله‌ای و به صورت ریالی به آنها پرداخت می‌کردند که این مسئله متأسفانه باعث کاهش شدید سطح اعتماد به نظام بانکی کشور شد و افراد

به جای سپرده‌گذاری ارزشهای خارجی در سیستم بانکی کشور اقدام به نگهداری فیزیکی این ارزها می‌کردند که این مسئله از دو جهت باعث آسیب‌های اقتصادی شده بود، اول اینکه حجم بالایی از ارز خارج از سیستم بانکی نگهداری می‌شد و در عمل منابع ارزی زیادی از دست بانک‌ها خارج شده بود و دومین مشکل ناشی از افزایش فعالیت‌های سفته‌بازی در بازار ارز شده بود که در مواقعی باعث شکل‌گیری حباب در اقتصاد نیز شده بود.

۵- افزایش دارایی‌های بانکی بیشتر با اتکا بر سپرده مشتریان بوده است تا با اتکا بر افزایش سرمایه: در نظام بانکی کشور علیرغم رشد بسیار زیاد ترازنامه بانک‌ها در سالیان اخیر میزان سرمایه آنها از رشد ناچیزی برخوردار بوده است. در سال ۱۳۹۲ میزان سرمایه بانک‌های کشور نسبت به کل ترازنامه در حدود ۶ درصد بوده است که این رقم بسیار ناچیز است. چرا که سرمایه مناسب و کافی یکی از شرایط لازم برای حفظ سلامت نظام بانکی در مواجهه با انواع بحران‌های پیش‌روی است و هریک از بانک‌ها و موسسات اعتباری برای تضمین ثبات و پایداری فعالیت‌های خود باید همواره نسبت مناسبی را میان سرمایه و انواع ریسک‌های موجود در دارایی‌های خود برقرار نماید. کارکرد اصلی این نسبت حمایت بانک در برابر زیان‌های غیرمنتظره و نیز حمایت از سپرده‌گذاران و اعتباردهندگان بانکی است. به دلیل حفاظتی که این نسبت در برابر زیان‌های وارده ایجاد می‌کند، حفظ و نگهداری سرمایه کافی و متناسب با مخاطرات موجود منبع اصلی اعتماد عمومی به هر بانک به‌طور اخص و سیستم بانکی به‌طور اعم است. بدین لحاظ در قانون پولی و بانکی کشور نیز بر این ضرورت تاکید گردیده و در ماده ۱۴ این قانون به همین نسبت سرمایه به انواع دارایی‌ها صریحا اشاره شده است.

۶- عدم وجود بیمه سپرده‌ها در نظام بانکداری کشور ایران نیز یکی از کاستی‌های نظام بانکی کشور در زمینه مقاوم‌سازی اقتصاد بوده است چرا که با وجود بیمه‌های سپرده از طریق افزایش نظارت احتیاطی نقش پیشگیرانه‌ای از وقوع فساد دارند و همچنین از طریق تضمین سپرده‌های عموم باعث ثبات‌بخش پولی در شرایط بحران خواهند شد. به‌عنوان مثال طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۸۹ با این که هنوز بازار سفته‌بازی‌های ارزی، سکه و طلا به راه نیوفتاده بود، صرفا به خاطر بی‌ثباتی‌های سیاسی میزان نگهداری حجم اسکناس و مسکوک در دست مردم به شکل چشمگیری افزایش یافت که خود دلیلی بر

ترس مردم از ریسک نگهداری وجوه خود در نزد بانک‌ها بوده است. این درحالی بود که اگر بیمه سپرده برای این سپرده‌گذاران وجود داشت این اتفاق شاید رخ نمی‌داد.

۷- حجم بالای بانکداری غیر رسمی در کشور یکی دیگر از معضلات بانکداری در راستای برنامه‌ریزی‌های پولی و بانکی در اقتصاد کشور بوده است. چرا که آمار و اطلاعات دقیق و به روز از فعالیت‌های بانکداری برای اجرای سیاست‌های پولی بسیار لازم و ضروری است. اما طبق آمار و اطلاعات بانک مرکزی حدود ۹۴ هزار میلیارد تومان از سپرده‌های مردم در ۶ موسسه مالی غیرمجاز قرار دارد. این درحالی است که این مبلغ بالغ بر ۱۵ درصد نقدینگی ۶۰۷ هزار میلیارد تومانی موجود در کشور را تشکیل می‌دهد. همچنین بخش قابل توجهی از فعالیت‌های بانکداری غیررسمی در کشور، غیر شفاف و خارج از چارچوب و قوانین بانک مرکزی است.

۸- در نهایت با توجه کاستی‌های ذکر شده در نظام بانکی آمریکا و اتحادیه اروپا که تا حدودی منجر به دامن‌زدن هرچه بیشتر به بحران‌های مالی شده است کمیته بازل رهنمودهایی را برای افزایش سطح انعطاف‌پذیری (یا مقاومت) بانک‌ها در مواقع بحران پیش‌بینی و تحت عنوان بیانیه‌های کمیته بازل تدوین و اجرای آن را نیز به بانک‌ها توصیه کرده است که خود نشان دهنده اهمیت مقاومت‌سازی نظام بانکی در مقابله با شرایط بحران و فشار و حتی شرایط قبل از بروز بحران بوده است. در ادامه خلاصه‌ای از بیانیه‌های کمیته بازل از ابتدا تاکنون بیان شده است.

۹- وجود تسهیلات غیر جاری بسیار بالا در نظام بانکی کشور یکی دیگر از موانع مقاومت‌سازی بنیان‌های اقتصادی است. چرا که در عمل وجود حجم بالای تسهیلات غیرجاری به معنای بلوکه شدن حجم بالای نقدینگی لازم برای تداوم حمایت از بخش‌های تولیدی و واقعی اقتصاد است. همچنین بانک‌ها برای جبران زیان ناشی از حجم بالای تسهیلات غیرجاری اقدام به افزایش نرخ بهره می‌کنند که با این اقدام تنها افرادی حاضر به دریافت تسهیلات خواهند شد که از ریسک‌پذیری بالاتری برخوردارند که خود این مسئله در بلندمدت منجر به افزایش دوباره حجم مطالبات معوق خواهد شد و تکرار این چرخه ریسک اعتباری و ریسک نقدینگی بانک‌ها را به شدت افزایش خواهد داد.

۱۰- جلوگیری از بزرگ شدن بیش از حد بانک‌ها(قانون داد- فرانک): قانون داد-

فرانک: این قانون به محدودیت اندازه بانک‌ها اشاره دارد. نباید به بانک‌ها اجازه داد به حدی بزرگ شوند که ورشکستگی آنها کل نظام مالی کشور را با خطر مواجه کند. در واقع نباید بانک به حدی بزرگ شود که نتوان اجازه داد ورشکست گردد. اما در کشور جمهوری اسلامی ایران بیش از ۶۵ درصد مجموع دارایی ۱۸ بانک مورد نظر متعلق به ۵ بانک ملی، سپه، ملت، تجارت و صادرات است که می‌تواند خطر "اندازه آن بیش از حدی است که بتوان اجازه داد ورشکست شود" را در کشور به وجود آورد. لذا باید تمهیداتی اندیشیده شود تا از ادغام بانک‌ها و همچنین از بزرگتر شدن آنها جلوگیری شود (همتی عبدالناصر؛ مهدی قاسمی: ۱۳۹۳).

۱۱- بهبود نظام مدیریت درونی مخاطرات دربانک‌ها و ایجاد انگیزه در کارکنان آنها در این زمینه و انجام نظارت‌های دقیق‌تر بر نظام مالی وجود کادر مدیریتی متخصص و متعهد لازمه بهبود وضعیت بانکی و طراحی استراتژی‌های بلند مدت بانک برای مقاوم‌سازی بانک‌ها در مقابل با انواع تحریم‌ها و فشارهای طبیعی و مصنوعی است. همچنین نظام بانکی کشور باید همواره تحت نظر بازرسان و ناظران بی‌طرف و مستقل فعالیت کند و همواره خود را تحت نظارت ببیند چرا که وجود بازرسانی از جنس بانک مرکزی هرگز نتوانسته است آن‌چنان که باید و شاید جلوی برخی از تخلفات بانکی را بگیرد و این مسئله باعث بروز بحران‌ها و مسائلی در حوزه‌های بانکی شده است. از طرفی وجود یک سیستم مستقل و قوی در حوزه نظارت بر عملکرد خرد و کلان نظام بانکی کشور و متعاقب آن وجود سیستم سختگیرانه مجازات و پاداش در بلندمدت قادر است عملکرد نظام بانکی را به گونه‌ای اصلاح نماید که هزینه‌های سو استفاده در این سیستم تا اندازه‌ای بالا رود که انگیزه سو استفاده از بین برود. اما در سالیان اخیر با وجود سیستم ناکارای نظارتی و همچنین قوانین و مقررات ناکارآمد پاداش و مجازات شاهد افزایش بسیار شدید حجم مطالبات معوق در سیستم بانکی بوده‌ایم، چرا که افرادی وام‌های کلان دریافت کرده‌اند و به جای افزایش تولید در بازار سفته‌بازی از آن بهره یافته‌اند حال آنکه با سه برابر شده ارزش دارایی‌های ارزی برای افرادی که وام دریافت کرده‌اند مقرون به صرفه نیست که اقساط وام خود را بازپرداخت کنند چرا که اگر با مبلغ وام خود کالای فیزیکی خریداری می‌کردند سرمایه آنها به سه برابر افزایش می‌یافت.

۱۲- کمیسیون مستقل انگلستان درباره بانکداری بیان کرده است که : بانک‌های

بزرگ انگلیسی باید عملیات ارائه خدمات خرد را به شکل تفکیک شده در غالب شعب حقوقی جداگانه ای با پوشش های احتیاطی مخصوص به خود ارائه کنند. البته این شعب از نظر مالی باید مستقل از گروه اصلی باشند. عدم توجه به این موضوع در نظام بانکداری کشور باعث عدم تخصص گرایی در ارائه تسهیلات بانکی شده است به نحوی که به عنوان مثال بانک صادرات به تولید کنندگان نیز تسهیلات ارائه می دهد و بانک کشاورزی به صنایع تسهیلات ارائه می نماید. این عدم تخصص در ارائه تسهیلات باعث عدم تخصیص بهینه منابع نقدینگی بین بخشی شده است.

ویژگی های نظام بانکداری اسلامی و نظام بانکداری اسلامی در کشورهای آسیای شرقی و کشور جمهوری اسلامی ایران

ویژگی های نظام بانکداری اسلامی باید در راستای دستیابی به اهداف اقتصاد اسلامی باشد. لذا در نظام بانکداری اسلامی علاوه بر فعالیت های متداول بانکی، فعالیت های بانکداری اسلامی در مواردی همچون توزیع عادلانه تسهیلات و خدمات بانکی بین بخش ها و اقشار مختلف جامعه (عدالت توزیعی)، تعیین عادلانه نرخ های سود تسهیلات و سپرده ها متناسب با شرایط اقتصادی جامعه (لزوم حذف ربا)، لزوم رعایت موازین اخلاقی (اخلاق اسلامی) همچون صداقت، شفافیت، امانتداری، وفای به تعهدات و پیمان ها، مسئولیت پذیری، پاسخگویی و قانونگرایی، رعایت حقوق مشتریان و حفظ احترام و کرامت آنان، صیانت از اسرار مشتریان، رعایت حقوق کارمندان و مدیران بانکی و برقراری نظام عادلانه ارتقاء و دستمزد و پاداش برای آنان، رعایت حقوق سهامداران بانکی، رعایت اخلاق در مراودات بین بانکی، نظارت بر تبلیغات و سیاست گذاری های بانکی به منظور صیانت از فرهنگ اسلامی جامعه، صیانت از محیط زیست با اولویت دهی به تامین مالی بنگاه های تولیدکننده مواد پاک و محدودسازی تامین مالی بنگاه های تولیدکننده مواد آلاینده (اهمیت توجه به محیط زیست در آیه ۸۶ سوره مائده بیان شده است)، حمایت سیاست گذاری های بانکی از روند رشد، توسعه و ثبات اقتصادی و تقلیل اثرات شوک های مخرب اقتصادی، تقویت و حمایت از تولید ملی به منظور دستیابی به خوداتکایی و استقلال اقتصادی در برابر سلطه بیگانگان (قاعده نفی سبیل) و مواردی از این دست،

تجلی می‌یابد (قلیچ، وهاب، از بانکداری بدون ربا تا بانکداری اسلامی). در برخی از کشورهای آسیای شرقی مانند کشور مالزی سیستم بانکداری به صورت دوگانه وجود دارد. به طوری که مقررات اسلامی و قوانین بانکی به طور مجزا در کنار قوانین معمول بانکداری حاکم است (روزنامه دنیای اقتصاد - شماره ۳۱۲۳). وجود همزمان دو سیستم بانکی در این کشورها، فرصتی را برای مشتریان بانکی فراهم کرده تا با مقایسه خدمات بانکی در هر دو سیستم، آنچه را مناسب‌تر می‌دانند انتخاب کنند. اما سیستم بانکداری در کشور جمهوری اسلامی ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ به نظام بانکداری اسلامی تغییر شکل پیدا کرده است. هرچند برخی از صاحب نظران ایراداتی را به نظام بانکداری کشور از لحاظ اسلامی بودن وارد کرده‌اند.

۱- محورهای کلی بانکداری اسلامی:

رعایت بانکداری اسلامی شامل دامنه‌ای از قوانین و قواعد برگرفته از اصول فقهی و آیات و روایات است، که در یک طبقه‌بندی کلی می‌توان مهم‌ترین آنها را در چند محور کلی به شکل زیر طبقه بندی کرد:

- اعطای تسهیلات در نظام بانکداری اسلامی بر اساس عقد وکالت انجام می‌شود و در این راستا بانک‌ها به‌عنوان وکیل سپرده‌گذاران عمل می‌کنند. لذا ارائه تسهیلات منوط به قراردادهای واقعی مبتنی بر تهیه و ارائه کالا و خدمات حقیقی است و قراردادهای اقتصادی نمی‌توانند به صورت کاذب و یا بر اساس قاعده "العقود تابعه للقصود" نمی‌تواند صوری بوده و از اقتصاد واقعی پیشی بگیرند، به این معنا که ارائه تسهیلات با پشتوانه حقیقی انجام شده و در راستای تقویت بخش حقیقی اقتصاد است و نه اینکه ارائه تسهیلات تنها برای فعالیت‌های سفته‌بازی باشد.

- در نظام بانکداری اسلامی از نرخ سود قراردادهای واقعی به جای نرخ بهره استفاده می‌شود، دلیل این موضوع اهمیت حذف ربا از معاملات است که در اقتصاد اسلامی به کرات به لزوم حذف ربا تاکید شده است.

- براساس عقد وکالت لازم است بانک‌های اسلامی به‌عنوان وکیل سپرده‌گذاران در نظارت و بررسی توجیه فنی و اقتصادی پروژه‌هایی که از بانک تامین مالی شده‌اند عمل نمایند (موسویان، ۱۳۸۸، ص ۳۰۰).

- نظام بانکداری اسلامی بنا بر اصل نفی سبیل، باید در مسیر حمایت از تولید داخلی و همچنین حمایت از استراتژی جایگزینی واردات گام بردارد.

۲- تحلیل محتوی ارزیابی اثرات بالقوه رعایت بانکداری اسلامی بر شاخص‌های بانکداری مقاومتی و بالا بردن سطح مقاومت نظام بانکی و مقاوم‌سازی اقتصاد:

با بررسی محورهای کلی نظام بانکداری اسلامی باید تاثیر برقراری هرکدام از محورها را بر شاخص‌های کلی بانکداری مقاومتی بررسی گردد، محور اول بانکداری اسلامی عبارت است از اعطای تسهیلات بر اساس قراردادهای واقعی مبتنی بر تهیه و ارائه کالا و خدمات حقیقی. که بر این اساس قراردادهای اقتصادی نمی‌توانند به صورت کاذب بوده و از اقتصاد واقعی پیشی بگیرند. اهمیت این موضوع از این جهت است که در بازاری که اغلب تعداد معاملات به شکل صوری و کاذب باشد، نسبت به بی‌ثباتی‌های و هیجان‌های بازار حساسیت بسیار بیشتری از خود نشان خواهد داد، و در این هنگام بیشترین قسمت آسیب‌پذیری نظام مالی در مواجهه با شوک‌ها، ناشی از عدم اطمینان به بازده دارایی‌های خریداری شده و میل به ادامه معاملات کاذب و سفته‌بازی است (صدیقی، ۱۳۸۹). که در بلند مدت به دلیل عدم وجود پشتوانه واقعی و تولید حقیقی برای بازپرداخت این تسهیلات، منجر به افزایش چشمگیر حجم مطالبات معوق خواهد شد. لذا برقراری محور اول بانکداری اسلامی منجر به ارائه تسهیلات هدفمند و در راستای تولید حقیقی خواهد و همچنین کاهش حجم مطالبات معوق که امروزه نیز یکی از آسیب‌های جدی در نظام بانکی قلمداد می‌شود خواهد شد و از بروز نابسامانی و سفته‌بازی‌های اقتصادی جلوگیری خواهد کرد. همچنین از بروز قراردادهای کاذب در اقتصاد که باعث بروز ناکارایی‌های اقتصادی خواهند شد جلوگیری می‌کند. همچنین هنگامی که ارائه تسهیلات بر اساس قراردادهای واقعی انجام شود، و به عبارتی بانک‌ها بتوانند تسهیلات هدفمندی را به اقتصاد تزریق کنند باعث تقویت اقتصاد شده و بهره‌وری نیز افزایش خواهد یافت.

محور دوم بانکداری اسلامی نیز بیان می‌کند که نرخ سود قراردادهای واقعی اقتصاد به جای نرخ بهره در نظر گرفته می‌شوند. نقش این محور در بانکداری مقاومتی از این جهت

است که در این حالت نظام بانکی و شرایط سرمایه‌گذاران از انعطاف پذیری بیشتری برخوردار خواهد بود و در شرایط بروز بحران‌های اقتصادی ناشی از تحریم‌های و یا سایر فشارهای اقتصادی به این دلیل که سرمایه‌گذاران تنها متعهد به پرداخت نرخ بهره‌ای متناسب با سود و زیان سرمایه‌گذاری انجام شده، به نظام بانکی خواهند بود، احتمال ورشکستگی سرمایه‌گذاران و نکول بازپرداخت‌های بانکی به شدت کاهش خواهد یافت. همچنین به این دلیل که سپرده‌گذاران در این شرایط خود را به نحوی شریک سرمایه‌گذاران می‌دانند، در شرایط بروز بحران‌های اقتصادی برای دریافت سپرده‌های خود کمتر مراجعه خواهند داشت چرا که می‌دانند دریافت سپرده‌های خود در این هنگام مستلزم تحمل بخشی از زیان سرمایه‌گذاران است. لذا نظام بانکداری مطابق شریعت اسلام از این ناحیه حاشیه امنیت بالاتری را نسبت به نظام بانکداری در اقتصادهای سرمایه‌داری و در شرایط بحران‌های ناشی از وجود تحریم و یا بحران‌های ناشی از ادوار تجاری خواهند داشت که این مسئله منجر به افزایش سطح مقاومت بانک‌های اسلامی نسبت به نظام بانکداری در نظام اقتصاد سرمایه‌داری در شرایط تحریم و فشارهای اقتصادی خواهد شد. این افزایش انعطاف‌پذیری نظام بانکی در دریافت نرخ بهره، همچنین در شرایط سخت اقتصادی منجر به افزایش سطح مقاومت بنگاه‌های اقتصادی خواهد شد که از نظام بانکی تامین مالی شده‌اند، چرا که بر اساس سودی که بدست خواهند آورد باید نرخ بهره بانکی را پردازند و نه بر اساس یک نرخ ثابت.

محور سوم بانکداری اسلامی اشاره به نقش بانک‌ها به‌عنوان وکیل سپرده‌گذاران در نظارت و بررسی توجیه فنی و اقتصادی پروژه‌هایی است که از جانب نظام بانکی تامین مالی می‌شوند. لذا در نظام بانکداری اسلامی باید یک نظام اعتبارسنجی قوی حکم‌فرما باشد. وجود نظام اعتبارسنجی برای ارائه تسهیلات بانکی در بلندمدت منجر به تخصیص بهینه منابع مالی و همچنین کاهش سطح مطالبات معوقه بانک‌ها خواهد شد. (غلامحسین تقینتاج).

محور چهارم بانکداری اسلامی بیانگر نقش بانک‌ها در حمایت از تولید داخلی است. این نقش بانک‌ها بر گرفته از قاعده نفی سبیل در نظام اقتصاد اسلامی است. به عبارتی قاعده نفی سبیل نظام بانکداری اسلامی را موظف به حمایت از تولید داخلی و به‌ویژه حمایت از بخش‌های تولیدی کالاهای استراتژیک و حیاتی مانند صنایع داروسازی می‌کند.

بررسی جایگاه سیستم بانکداری در... ۶۱

اما قاعده نفی سبیل در مورد رابطه کشور با کشورهای اسلامی و یا به ظاهر اسلامی، بانک‌ها را مجاب به حمایت از مزیت‌های نسبی و مطلق در تولیدات داخلی، و سپس ایجاد مبادله تولیدات داخلی با کشورهای اسلامی می‌کند.

اما همانطور که پیشتر نیز بیان شد، در نظام بانکداری اسلامی باید موازین اخلاق اسلامی همچون صداقت، شفافیت، رعایت حقوق کارمندان و مدیران بانکی و برقراری نظام عادلانه ارتقاء و دستمزد و پاداش برای آنان و ... مد نظر قرار گیرد. که این افزایش شفافیت و صداقت در نظام بانکی با یکپارچه‌سازی نظام بانکی امکانپذیر خواهد شد و باعث کاهش فساد در شبکه بانکی نیز می‌شود. همچنین برقراری نظام عادلانه دستمزد و پاداش نیز منجر به افزایش بهره‌وری در نظام بانکی خواهد شد.

۳- بررسی تاثیر بحران‌های اقتصادی بر عملکرد نظام بانکداری اسلامی و نظام بانکداری متعارف

برای بررسی تاثیر بحران‌های مالی حادث شده در جهان بر عملکرد نظام بانکداری اسلامی و نظام بانکی متعارف، تحقیقات متعددی صورت گرفته است که تاثیر بحران مالی سال ۲۰۰۸ را بر عملکرد بانک‌های اسلامی و بانکداری متعارف بررسی کرده است. در این تحقیقات تاثیر بحران مالی سال ۲۰۰۸ بر سه دسته از شاخص‌های سودآوری، شاخص‌های ساختار سرمایه و شاخص‌های نقدینگی در نظام بانکداری اسلامی و نظام بانکداری متعارف بررسی شده است که نتایج آن نشان از این است که، شاخص‌های مورد بررسی در نظام بانکداری اسلامی نسبت به بانکداری متعارف، در قبل و بعد از بروز بحران از پایداری بیشتری برخوردار بوده است و لذا نظام بانکداری اسلامی نسبت به نظام بانکداری متعارف در برابر بحران‌های اقتصادی از ثبات بیشتری برخوردار است (قلیچ، وهاب و محسن خدابخش، ۱۳۹۱).

همچنین صندوق بین‌المللی پول^۱ در تحقیقی تحت عنوان «مطالعه تطبیقی اثرات بحران جهانی بر بانک‌های اسلامی و بانک‌های متعارف» با بررسی اثرات بحران بر سودآوری، اعتبار و رشد دارایی‌های بانک‌ها در کشورهایی که هر دو جریان بانکداری سهم مهمی از بازار را در اختیار دارند، نشان داد عملکرد بانک‌های اسلامی نسبت به

بانک‌های متعارف موفق‌تر بوده است. در این تحقیق متغیرهایی که برای بررسی اثر بحران بر این دو مدل بانکداری مورد ارزیابی قرار گرفت، عبارت بود از: تغییر در سوددهی، تسهیلات بانکی، دارایی‌های بانک و رتبه‌بندی‌های خارجی، که نتایج نشان داد بانک‌های اسلامی در جریان بحران مالی جهانی عملکرد متفاوتی نسبت به بانک‌های متعارف از خود بر جای گذاشتند. در واقع مولفه‌های بانکداری اسلامی و مدل عملکردی آن، مانع از اثرات منفی بحران مالی جهانی سال ۲۰۰۸ بر سودآوری این بانک‌ها شد. بانک‌های اسلامی همچنین با برخورداری از سبدهای سرمایه‌گذاری کوچک‌تر، نسبت پایین‌تر ریسک‌پذیری و تبعیت از اصول شریعت که آن‌ها (بانک‌های اسلامی) را از تامین مالی و سرمایه‌گذاری در ابزارهایی که بانک‌های متعارف را به ورطه بحران کشاند منع کرد و به این سیستم بانکداری کمک کرد تا از پیامدهای وخیم بحران مالی در آن سال مصون بماند. همچنین در خلال بحران مالی سال ۲۰۰۸، اعتبارات و دارایی بانک‌های اسلامی دو برابر بانک‌های متعارف رشد کرد و به همین دلیل این نظام بانکی کمک زیادی به ثبات مالی و اقتصادی جهان کرد. این نحوه عملکرد عمدتاً ناشی از درجه بالای نقدشوندگی این بانک‌ها و در نظر گرفتن این واقعیت است که بسیاری از بانک‌های اسلامی، بخش عمده تسهیلات خود را در اختیار مصرف‌کنندگان (و نه سرمایه‌گذاران) قرار دادند که کمتر از پیامدهای بحران مالی جهانی اثر پذیرفته بودند. سایر موسسات بین‌المللی رتبه‌بندی نیز در آخرین ارزیابی‌های خود عملکرد بانک‌های اسلامی در حوزه مدیریت ریسک را بهتر از بانک‌های متعارف ارزیابی کرده‌اند که این موضوع نیز مطالعات صندوق بین‌المللی پول را تایید می‌کند.

منابع و ماخذ

تقی نتاج، غلامحسین، حمیدرضا نجف‌پور کردی و جمال بحری (۱۳۹۱)، "هنجارهای یک نظام مالی اخلاقی و شرایط نیل به نظام مالی ایده‌آل در حوزه بانکداری"، بیست و سومین همایش بانکداری اسلامی، تهران، موسسه عالی آموزش بانکداری ایران. روزنامه دنیای اقتصاد - شماره ۳۱۲۳

سیف، الله مراد و مجتبی راعی دهقی (۱۳۹۳). "تجربیات جهانی بانکداری مقاومتی"، کنگره اقتصاد مقاومتی دانشگاه دفاع ملی.

بررسی جایگاه سیستم بانکداری در... ۶۳

سیف، الله مراد و مجتبی راعی دهقی (۱۳۹۳). "شاخص سازی بانکداری مقاومتی"، کنگره اقتصاد مقاومتی دانشگاه دفاع ملی.

صدیقی، محمد نجات الله (۱۳۸۹)، "ربا، بهره بانکی و حکمت تحریم آن در اسلام"، ترجمه حسین میسمی، چ ۱، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)

عقیلی کرمانی، پرویز (۱۳۸۷)، "راهکارهای عملی برای انطباق بانکداری اسلامی با ضوابط و مقررات بانکی بین الملل"، نوزدهمین همایش بانکداری اسلامی، چ ۱، تهران: موسسه عالی آموزش بانکداری ایران.

غنی نژاد، موسی (۱۳۸۳)، "بررسی برخی نظریه‌های مربوط به بانکداری بدون بهره"، مجموعه مقالات پانزدهمین همایش بانکداری اسلامی، چ ۱، تهران: موسسه آموزش عالی آموزش بانکداری ایران.

قلیچ، وهاب و محسن خدابخش، (۱۳۹۱)، اثر تعهدات بدهی در شکنندگی نظام بانکی (تجربه بانک‌های اسلامی در بحران اخیر)، بیست و دومین همایش سالانه سیاست‌های پولی و ارزی، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی

قلیچ، وهاب، یادداشت "از بانکداری بدون ربا تا بانکداری اسلامی"، پژوهشکده پولی و بانکی.

موسویان، سید عباس (۱۳۸۸)، "طراحی سپرده‌های جدید در بانکداری بدون ربا"، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش ۷.

منابع انگلیسی

1. Maher Hasan & Jemma Dridi 2010, "The Effects of the Global Crisis on Islamic and Conventional Banks: A Comparative Study", IMF Working Paper, September 2010